


## Examining the Nature of the Inherent Jurisdiction of the Juvenile Court under the Code of Criminal Procedure and Judicial Practice

Mohamad javad fathi<sup>1</sup> | Mehrdad Movahedi<sup>2</sup> | Vahid dadgostar<sup>1</sup>

1. Associate Prof, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of law, Farabi Campus, University of Tehran, Qom, Iran. [mjfathi@ut.ac.ir](mailto:mjfathi@ut.ac.ir)
2. Ph.D. Student in Criminal Law & Criminology Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of law, Farabi Campus, University of Tehran, Qom, Iran (Corresponding Author): [mehrdad.movahedi@ut.ac.ir](mailto:mehrdad.movahedi@ut.ac.ir)
3. Ph.D. Student in Criminal Law & Criminology Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of law, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran ,Iran, [vahiddadgostar1367@gmail.com](mailto:vahiddadgostar1367@gmail.com)

Article Info	Abstract
<p><b>Article type:</b> Scientific Article</p> <hr/> <p><b>Received:</b> 2025/07/14</p> <p><b>Received in revised form:</b> 2026/01/27</p> <p><b>Accepted:</b> 2026/02/24</p> <hr/> <p><b>Keywords:</b> <i>Juvenile Court, Criminal Court One Special for Juveniles; Supreme Court; Inherent Jurisdiction; Relative Jurisdiction .</i></p>	<p>Following the entry into force of the 2013 Code of Criminal Procedure, the multiplicity and lack of coherence of the statutory provisions concerning the jurisdiction of the Juvenile Court have given rise to doubts regarding the nature of its inherent jurisdiction. On the one hand, certain provisions expressly characterize the Juvenile Court as a special-exclusive court, enacted in line with fair trial standards and principles. On the other hand, some provisions of the same Code suggest that these courts are merely specialized forums and treat them as branches of the Criminal Court of Grade Two. Divergent views among legal scholars and inconsistent judicial decisions on this issue are likewise evident, creating uncertainty as to the competent authority for resolving jurisdictional disputes. This situation has also left the solution to this important matter—one governed by mandatory rules—to the discretion of judges. This article seeks to identify the prevailing judicial practice through an examination of approximately fifty cases from the courts of Isfahan Province, including decisions rendered by the Juvenile Court, Criminal Court Two, the Provincial Court of Appeal, and the Supreme Court. Its principal aim is to determine whether the Juvenile Court is an exclusive court possessing an inherent jurisdiction that is distinct from and independent of the Criminal Court Two, or whether it is merely a branch of the latter that adjudicates juvenile cases on a specialized basis. The manner in which jurisdictional conflicts concerning such cases are resolved in judicial practice is also addressed. The findings indicate that, vis-à-vis the Revolutionary Courts, Military Courts, Criminal Court One, Criminal Court One Special for Juvenile Offences, and Criminal Court Two, the Juvenile Court constitutes an exclusive forum. Accordingly, any jurisdictional dispute between the Juvenile Court and the aforementioned courts falls within the exclusive competence of the Supreme Court.</p>
<p><b>How To Cite</b></p>	<p>Fathi, Mohamad javad, Movahedi, Mehrdad, dadgostar, Vahid. (2026). Examining the Nature of the Inherent Jurisdiction of the Juvenile Court under the Code of Criminal Procedure and Judicial Practice. <i>Journal of Judgment</i>, 125(1), 22-45. <a href="http://doi.org/10.22034/judg.2026.2065581.1520">http://doi.org/10.22034/judg.2026.2065581.1520</a></p>
<p><b>DOI</b></p>	<p><a href="https://doi.org/10.22034/judg.2026.2065581.1520">10.22034/judg.2026.2065581.1520</a></p>
	<p>©2025 The Author(s): This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, As long as the original authors and sources are cited. No permission is required from the authors or the publishers.</p>
<p><b>Publisher</b></p>	<p>Publications of the Judiciary of Tehran Province</p>

## واکاوی نوع صلاحیت ذاتی دادگاه اطفال و نوجوانان در قانون آیین دادرسی کیفری و رویه قضایی

محمدجواد فتحی<sup>۱</sup> | مهرداد موحدی<sup>۲</sup> | وحید دادگستر<sup>۳</sup>

۱. عضو هیات علمی دانشگاه تهران، دانشکده حقوق، دانشکدگان فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران، رایانامه: [mjfathi@ut.ac.ir](mailto:mjfathi@ut.ac.ir)
۲. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکده حقوق، دانشکدگان فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران، (نویسنده مسئول)، رایانامه: [mehرداد.movahedi@ut.ac.ir](mailto:mehرداد.movahedi@ut.ac.ir)
۳. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران، رایانامه: [vahiddadgostar1367@gmail.com](mailto:vahiddadgostar1367@gmail.com)

### اطلاعات مقاله

### چکیده

### نوع مقاله: علمی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۴/۲۳

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۴/۱۱/۰۷

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۱۲/۰۵

### کلیدواژه:

دادگاه اطفال و نوجوانان، دادگاه کیفری یک ویژه نوجوانان، دیوان عالی کشور، صلاحیت ذاتی، صلاحیت نسبی.

پس از لازم الاجرا شدن قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، مواد قانونی متکثر و آشفته راجع به صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان، موجب بروز تردیدهایی در خصوص نوع صلاحیت ذاتی این دادگاه شد. از یک سو، برخی مواد قانونی بر «اختصاصی» بودن دادگاه اطفال و نوجوانان تصریح داشته و منطبق بر استانداردها و اصول دادرسی عادلانه وضع شده‌اند و از سوی دیگر، موادی از قانون موصوف دلالت بر «تخصصی» بودن این محاکم دارند و آن را شعبه‌ای از دادگاه‌های کیفری دو محسوب کرده‌اند. اختلاف نظر میان حقوقدانان و تهافت آراء در رویه قضایی در خصوص این موضوع نیز مشهود است و همین مسئله موجب سردرگمی در شناسایی مرجع حل اختلاف در صلاحیت شده است. همچنین ارائه راه حل را در این موضوع مهم، که از جمله قواعد آمره است، به سلیقه قضات و آگذار کرده است. در این مقاله، با بررسی حدود ۵۰ پرونده از محاکم استان اصفهان، و آرای صادره از دادگاه‌های اطفال و نوجوانان، کیفری دو، تجدیدنظر استان و دیوان عالی کشور، در صدد کشف رویه قضایی حاکم بوده‌ایم. هدف اصلی این است که مشخص کنیم آیا دادگاه اطفال و نوجوانان دادگاهی اختصاصی و با صلاحیت ذاتی متفاوت و مستقل از دادگاه‌های کیفری دو است یا شعبه‌ای از محاکم کیفری دو به شمار می‌رود که به جرایم اطفال و نوجوانان به صورت تخصصی رسیدگی می‌کند؟ گفتنی است، نحوه حل اختلاف در صلاحیت رسیدگی به این پرونده‌ها در رویه قضایی نیز دور از نظر نگارندگان نبوده است. بر اساس یافته‌ها، دادگاه اطفال و نوجوانان در برابر دادگاه‌های انقلاب، نظامی، کیفری یک، کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان و کیفری دو، مرجعی «اختصاصی» محسوب می‌شود و هرگونه حل اختلاف در صلاحیت میان دادگاه اطفال و نوجوانان با مراجع پیش گفته، منحصرأ با «دیوان عالی کشور» است.

### استناد

فتحی، محمدجواد، موحدی، مهرداد، دادگستر، وحید. (۱۴۰۵). واکاوی نوع صلاحیت ذاتی دادگاه اطفال و نوجوانان در قانون آیین دادرسی کیفری و رویه قضایی، فصلنامه قضاوت، ۲۲-۲۴، (۱)۱۲۵-۴۵. <http://doi.org/10.22034/judg.2026.2065581.1520>

[10.22034/judg.2026.2065581.1520](https://doi.org/10.22034/judg.2026.2065581.1520)

DOI



انتشارات دادگستری کل استان تهران

ناشر

## مقدمه

نظام عدالت کیفری در قبال اطفال و نوجوانان بزهکار، واکنش‌های متنوع و مختلفی دارد. در کنار پاسخ‌های پیشگیرانه، اجتماعی و اصلاحی - تربیتی باید به پاسخ‌های تنبیهی (کیفری) نیز توجه ویژه‌ای داشت. واکنش کیفری به بزهکاری اطفال و نوجوانان، از طرفی به لحاظ انتظام‌بخشی به امور جامعه در برخورد با پدیده مجرمانه و تکریم قانون و از طرف دیگر حراست و حفاظت آن‌ها از بحران‌های نشئت گرفته از بزهکاری، اقتضای استقرار تشکیلات و دادرسی ویژه برای جرایم اطفال و نوجوانان دارد.

چگونگی واکنش به بزهکاری اطفال و نوجوانان در فرایند کیفری، اهمیت ویژه‌ای دارد. باید توجه داشت که نحوه واکنش به این دسته می‌تواند در سوگیری نظام رفتاری آنان در آینده نقش آفرین باشد (نیازپور، ۱۴۰۱: ۲۰-۲۱). اختصاص مقررات ویژه در خصوص نحوه رسیدگی به جرم و واکنش در برابر آن، شکل‌گیری الگوی دادرسی کیفری افتراقی را سبب شده است. افتراقی‌سازی در حوزه اطفال، شامل مباحث ماهوی (اقداماتی که در مورد بزهکاری این دسته در نظر گرفته می‌شود، مانند ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲) و در بعد شکلی، یعنی نحوه تعقیب و محاکمه، خواهد بود (طهماسبی، ۱۴۰۲: ۱۰۸). به نوعی افتراقی بودن دادرسی اطفال و نوجوانان جنبه سریع و انعطاف‌پذیر دارد، بدین صورت که دادرسی بیش از آنکه به دنبال مجازات‌کردن باشد، محور کار خود را بر اصلاح و بازپروری اطفال و نوجوانان قرار می‌دهد (مهرا، ۱۳۸۵: ۱۳-۱۴). افتراقی‌سازی دادرسی در حوزه اطفال و نوجوانان بایستی از بدو تشکیل پرونده قضایی مدنظر قرار گیرد. در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی<sup>۱</sup> این امر مدنظر قرار گرفته است؛ برای مثال در تبصره ۲ ماده ۲۸۵ ضابطان از انجام تحقیقات مقدماتی در خصوص طفل و نوجوان ممنوع شده‌اند. همچنین اکنون لایحه تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان که در تاریخ ۱۴۰۰/۰۲/۲۶ به مجلس ارسال شده است، نمونه دیگری از گرایش به سوی افتراقی‌سازی مقررات دادرسی برای این دسته از افراد است.

قانون‌گذار در ق.آ.د.ک در مواد متعددی مقرراتی در خصوص رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان وضع کرده است. ماده ۲۹۴ ابتدا انواع دادگاه‌های کیفری را برشمرده است و ظاهر ماده

۱. در این پژوهش منظور از قانون، قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی است و گاهی به صورت ق.آ.د.ک نگارش می‌شود.

۲. تبصره مذکور مقرر می‌دارد: «در جرایم مشهود، هرگاه مرتکب، طفل یا نوجوان باشد، ضابطان دادگستری مکلف‌اند نسبت به حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و دلایل جرم اقدام نمایند. لکن اجازه تحقیقات مقدماتی از طفل یا نوجوان را ندارند و در صورت دستگیری وی، موظف‌اند متهم را حسب مورد، فوری به دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان تحویل دهند. انقضای وقت اداری و نیز ایام تعطیل مانع از رجوع به دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان نیست.»

دلالت بر این دارد که در مقام بیان انواع دادگاه‌های کیفری با صلاحیت‌های ذاتی متفاوت است<sup>۱</sup> و دادگاه اطفال و نوجوانان نیز یکی از این مراجع دارای صلاحیت ذاتی است؛ اما با ملاحظه مواد دیگر می‌توان گفت که این دادگاه، دادگاهی اختصاصی محسوب نمی‌شود. در این پژوهش ضمن بیان نظرات قائلین به اختصاصی یا تخصصی بودن دادگاه اطفال و نوجوانان، به موادی از قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ اشاره خواهد شد که دلالت بر تخصصی بودن دادگاه اطفال و نوجوانان دارد. موضوع از این نظر اهمیت دارد که در صورتی که قواعد مربوط به صلاحیت ذاتی در رسیدگی به پرونده‌ها رعایت نشود، موجب نقض رأی در دیوان عالی کشور و دادگاه تجدیدنظر استان است<sup>۲</sup> و دیگر اقدامات انجام‌شده در پرونده نیز ممکن است از سوی مرجع صالح معتبر تلقی نشود و موجبات اطاله دادرسی را فراهم آورد.

در این پژوهش ابتدا دلایل اختصاصی یا تخصصی بودن دادگاه‌های اطفال و نوجوانان در سیمای قانون بررسی می‌شود و سپس با بررسی آرای مختلف پرونده‌های قضایی، این موضوع در رویه قضایی مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

## ۱. اختصاصی یا تخصصی بودن دادگاه‌های اطفال و نوجوانان در سیمای قانون

قوانین و مقررات مربوط به صلاحیت از جمله قواعد آمره و مربوط به نظم عمومی اند و این موضوع چنین نتایجی را در پی دارد؛ نخست اینکه طرفین پرونده نمی‌توانند برخلاف آن با یکدیگر توافق کنند. دوم، اعتراض به صلاحیت مرجع رسیدگی‌کننده، در هر مرحله از روند رسیدگی به پرونده امکان‌پذیر است. سوم، مرجع رسیدگی‌کننده به پرونده باید در ابتدا صلاحیت خود را در رسیدگی احراز کند و در صورت عدم صلاحیت از رسیدگی امتناع کند و نباید منتظر ایراد صلاحیت از سوی طرفین پرونده بماند. چهارم اینکه، اصولاً رأی صادره از سوی مرجع فاقد صلاحیت، بی‌اعتبار و در مرجع تجدیدنظر قابل نقض است، هر چند که آن رأی از لحاظ محتوا به درستی صادر شده باشد (خالقی، ۱۳۹۴: ۱۸).

مقنن ایرانی، برای نخستین بار در قالب قانون تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان بزهکار مصوب ۱۳۳۸، دادگاه ویژه اطفال و نوجوانان را تأسیس کرد. در این قانون، تشکیل دادگاه اطفال در مرکز هر شهرستان و در کنار آن، برقراری قانون اصلاح و تربیت پیش‌بینی شده بود. با این حال، این قانون

۱. ماده ۲۹۴: «دادگاه‌های کیفری به دادگاه کیفری یک، دادگاه کیفری دو، دادگاه انقلاب، دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه‌های نظامی تقسیم می‌شود». البته ایرادی که ممکن است بر این ماده وارد باشد این است که دادگاه‌های ویژه روحانیت را ذکر نکرده است.

۲. بنگرید به مواد ۴۵۰ و ۴۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲.

مترقی از زمانه خویش بسیار جلوتر بود و امکان اجرای قانون تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان بزهکار، عملاً پس از گذشت یک دهه در تهران شروع و سپس در کلان‌شهرها اجرایی شد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دادگاه‌های اطفال و نوجوانان در چرخه سیستم عدالت کیفری ایران در هاله‌ای از ابهام قرار گرفت. با تصویب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی مصوب ۱۳۵۸، نسخ ضمنی دادگاه‌های اطفال و نوجوانان کلید خورد تا اینکه رأی وحدت رویه شماره ۶ هیئت عمومی دیوان عالی کشور در مورخ ۱۳۶۴/۰۲/۲۲ ادامه حیات این دادگاه را متوقف ساخت. با صدور این رأی وحدت رویه، رسیدگی به جرایم مرتکبان پس از رسیدن به سن بلوغ شرعی (برای دختران، ۹ سال تمام قمری و برای پسران، ۱۵ سال تمام قمری) حسب اتهام انتسابی به دادگاه‌های کیفری یک و دو محول شد. انحلال دادگاه اطفال و نوجوانان، از سویی، به لحاظ پاسخ‌گونی بودن به اقتضانات روز جامعه و فرهنگ ایرانی در برخورد با بزهکاران کمتر از ۱۸ سال و برخورد قهرآمیز با آنان - همچون بزرگسالان - فاقد توجیه منطقی بود. از سوی دیگر، فشارهای بین‌المللی بر ایران بابت نقض حقوق کودکان با وصف الحاق ایران به پیمان‌نامه حقوق کودک در سال ۱۳۷۲، مقنن را مجبور کرد تا در فصل پنجم از باب دوم قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸، دادرسی افتراقی ناظر بر بزهکاری اطفال و نوجوانان را مطرح کند.

در خصوص وضعیت دادگاه صالح در رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان سه مقرر، در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸، قابل توجه بود. برابر ماده ۲۱۹ قانون یادشده، در هر حوزه قضایی و در صورت نیاز یک یا چند شعبه از دادگاه‌های عمومی برای رسیدگی به کلیه جرایم اطفال اختصاص داده می‌شد. مطابق تبصره ماده ۲۲۰ این قانون، به کلیه جرایم اشخاص بالغ کمتر از ۱۸ سال

۱. رأی وحدت رویه شماره ۶ مورخ ۱۳۶۴/۰۲/۲۲ هیئت عمومی دیوان عالی کشور که ناظر بر صلاحیت دادگاه‌های کیفری یک و دو در مورد جرایم اطفال و نوجوانان است، ابراز داشته است: «نظر به اینکه به موجب ماده ۱۹۴ قانون اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب شهریور ۱۳۶۱، دادگاه‌های کیفری به دادگاه‌های کیفری یک و دو تقسیم شده‌اند و طبق ماده ۱۹۳ قانون مزبور رسیدگی به جرایم اشخاص به ترتیب مقرر در قانون یادشده و در صلاحیت دادگاه‌های مذکور است و مستفاد از مواد ۱۹۸ و ۲۱۷ قانون مزبور ملاک صلاحیت هر یک از دادگاه‌های مرقوم کیفر قانونی پیش‌بینی شده برای جرم ارتكابی قطع نظر از خصوصیت و وضعیت متهمین می‌باشد و ماده ۲۶ قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب مهرماه ۱۳۶۱، مبنی بر مبری بودن اطفال از مسئولیت کیفری در صورت ارتکاب جرم به معنای صلاحیت انحصاری دادگاه کیفری دو در رسیدگی به کلیه اتهامات انتسابی به اشخاصی که طفل معرفی می‌شوند، نیست، فلذا در مواردی که جرایم ارتكابی اطفال (کسی که به حد بلوغ شرعی نرسیده) از جمله جرایم موضوع ماده ۱۹۸ قانون اصلاحی موادی از قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره ۱ آن باشد، رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه کیفری یک است، در غیر این صورت دادگاه کیفری دو صالح به رسیدگی خواهد بود و رأی شعبه ۱۱ دیوان عالی کشور که متضمن همین معنی است، مطابق موازین تشخیص می‌گردد. این رأی به موجب ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.»

تمام نیز در دادگاه اطفال طبق مقررات عمومی رسیدگی می‌شد. بر اساس ماده ۲۳۱ قانون پیش‌گفته، اختصاصی بودن بعضی از شعب دادگاه‌های عمومی مانع از ارجاع سایر پرونده‌ها به آن شعب نبود. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸، در خلال مواد ۲۱۹ الی ۲۳۱، با به‌کارگیری واژه «اختصاص» باعث ظهور و بروز اختلاف نظر و آرا در میان دکترین حقوقی و مراجع قضایی شد. ماهیت اختلافی درباره اختصاصی یا تخصصی بودن دادگاه اطفال و نوجوانان کماکان باقی است<sup>۱</sup> و مقنن در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، در حوزه دادگاه ویژه اطفال و نوجوانان، نتوانسته است دادرسی افتراقی مدنظر را لحاظ کند. اینک روایت قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، در مباحث آتی با ارائه نظرها و دلایل هریک از دیدگاه‌های اختصاصی یا تخصصی بودن دادگاه اطفال و نوجوانان تحلیل می‌شود.

#### ۱-۱. دادگاه اطفال و نوجوانان به‌عنوان مرجع اختصاصی

صلاحیت به معنای شایستگی، الزام و تکلیف قانونی یک مرجع قضایی در رسیدگی به دعوا است. قواعد حاکم بر صلاحیت مراجع قضایی کیفری، امره و مرتبط با نظم عمومی است. مراجع کیفری موظف‌اند در ابتدا صلاحیت یا عدم صلاحیت خود را نسبت به پرونده ارجاعی مدنظر قرار دهند، چراکه در این مراجع، مهم‌ترین قسم صلاحیت ناظر بر صلاحیت ذاتی است. اصولاً صلاحیت ذاتی در تعیین مراجع صالح در رسیدگی‌های حقوقی نیز موردنظر است و سه عنصر صنف، نوع و درجه، صلاحیت ذاتی مراجع قضایی و غیرقضایی یا حقوقی و کیفری را از یکدیگر تفکیک می‌کند. منظور از نوع یک دادگاه، تعیین این نکته است که آیا مرجع مزبور باید مرجعی عمومی باشد یا اختصاصی. مراجع عمومی مراجعی هستند که صلاحیت رسیدگی به کلیه امور را دارند، مگر اموری که صراحتاً رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت مرجع دیگری قرار گرفته باشد. در مقابل، مراجع اختصاصی مراجعی‌اند که اصولاً صلاحیت رسیدگی به هیچ امری را ندارند، مگر رسیدگی به امور معینی صراحتاً در صلاحیت آن‌ها قرار گرفته باشد (خالقی، ۱۳۹۴: ۵۶). در قانون آیین دادرسی کیفری، دادگاه‌های کیفری یک، کیفری دو، اطفال و نوجوانان، انقلاب و ویژه روحانیت از نظر صلاحیت ذاتی با هم اختلاف دارند (خالقی، ۱۴۰۲: ۳۰۶).

قانون‌گذار دادگاه اطفال و نوجوانان را در کنار سایر مراجع کیفری به‌عنوان مرجع اختصاصی برای رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان قرار داده است (آشوری، ۱۴۰۰: ۱۰۵؛ آخوندی، ۱۳۹۴: ۴۱۹-۴۲۶؛ مؤذن‌زادگان، ۱۴۰۲: ۲۰۳؛ گلدوست، ۱۴۰۰: ۳۱۳؛ مهابادی، ۱۳۹۳: ۲۷۱؛ میرکمالی و

۱. در رأی وحدت رویه شماره ۶۵۱ مورخ ۱۳۷۹/۰۸/۰۳ هیئت عمومی دیوان عالی کشور، از دادگاه اطفال و نوجوانان به‌عنوان «دادگاه خاص» یاد شده است.

حسینی، ۱۳۹۵: ۲۶۴؛ فلاح و حاجی تبار، ۱۴۰۰: ۱۳۷). به علت اختصاصی بودن صلاحیت این دادگاه است که در هیچ یک از مواد ق.آ.د.ک به دادگاه اطفال و نوجوانان اجازه داده نشده است که به جرایم افراد بالای ۱۸ سال تمام نیز رسیدگی کند. از مفهوم مخالف تبصره ماده ۲۹۸ نیز استنباط می شود که با تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان در یک حوزه قضایی، دادگاه کیفری دو هم دیگر نمی تواند به جرایم افراد زیر ۱۸ سال تمام رسیدگی کند (خالقی، ۱۴۰۲: ۴۳۵). هیچ یک از این دادگاه ها نمی توانند به موضوعی رسیدگی کنند که در صلاحیت دادگاه دیگر است و در صورت رسیدگی و صدور حکم، حسب مورد دادگاه تجدیدنظر استان (مطابق بند «پ» ماده ۴۵۰) یا دیوان عالی کشور (مطابق بند «ب» ماده ۴۶۹)<sup>۲</sup> ضمن نقض رأی صادره، آن را به مرجع صالح ارسال می کند.

با توجه به اینکه قانون گذار در مواد ۳۰۱ تا ۳۰۴ ق.آ.د.ک، به صلاحیت هر یک از دادگاه های کیفری دو، کیفری یک، انقلاب و اطفال و نوجوانان در رسیدگی به جرایم اشاره داشته است، می توان گفت که دادگاه اطفال و نوجوانان نیز در کنار سایر دادگاه های یاد شده، یک مرجع اختصاصی برای رسیدگی به جرایم افراد کمتر از ۱۸ سال تمام محسوب می شود. چنانچه قانون گذار عقیده بر اختصاصی بودن این دادگاه نداشت، به چه دلیلی می بایست آن را قسیم دیگر دادگاه های کیفری قرار دهد و اگر این دادگاه شعبه ای تخصصی بود، می توانست همانند دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان، صراحتاً مقرر کند که «تخصصی بودن این شعب، مانع از ارجاع سایر پرونده ها به آن ها نیست» (تبصره ۱ ماده ۳۱۵).

۱. ماده ۴۵۰: «رئیس شعبه پرونده های ارجاعی را بررسی و گزارش جامع آن را تهیه می کند و یا به نوبت به یکی از اعضای دادگاه تجدیدنظر استان ارجاع می دهد. این عضو گزارش پرونده را که متضمن جریان آن و بررسی کامل در خصوص تجدیدنظر خواهی و جهات قانونی آن است، تهیه و در جلسه دادگاه قرائت می کند. خلاصه این گزارش در پرونده درج می شود و سپس دادگاه به شرح زیر اتخاذ تصمیم می نماید:

پ. هرگاه رأی توسط دادگاهی که صلاحیت ذاتی یا محلی ندارد، صادر شود، دادگاه تجدیدنظر استان، رأی را نقض و پرونده را به مرجع صالح ارسال و مراتب را به دادگاه صادرکننده رأی اعلام می کند...»

۲. ماده ۴۶۹: «در موقع رسیدگی، عضو ممیز، گزارش پرونده و مفاد اوراقی را که لازم است، قرائت می کند و طرفین یا وکلای آنان، در صورت حضور، می توانند با اجازه رئیس شعبه، مطالب خود را اظهار دارند. همچنین دادستان کل یا نماینده وی با حضور در شعبه به طور مستدل، مستند و مکتوب نسبت به نقض یا ابرام رأی معترض عنه یا فرجام خواسته، نظر خود را اعلام می کند. سپس اعضای شعبه با توجه به محتویات پرونده و مفاد گزارش و مطالب اظهار شده، با درج نظر دادستان کل کشور یا نماینده وی در متن دادنامه، به شرح زیر اتخاذ تصمیم می کنند:

ب. هرگاه رأی مخالف قانون، یا بدون توجه به ادله و مدافعات طرفین صادر شده باشد یا رعایت تشریفات قانونی نشده و آن تشریفات به درجه ای از اهمیت باشد که موجب بی اعتباری رأی شود، شعبه دیوان عالی کشور، رأی را نقض و به شرح زیر اقدام می کند: ...

۳. اگر رأی به علت عدم صلاحیت ذاتی دادگاه نقض شود، پرونده به مرجعی که دیوان عالی کشور تشخیص می دهد، ارسال می شود و مرجع مذکور مکلف به رسیدگی است...»

ماده ۳۱۲ ق.آ.د.ک<sup>۱</sup> از مهم‌ترین موادی است که دلالت بر اختصاصی بودن دادگاه اطفال و نوجوانان دارد. مفهوم مخالف ماده این است که دادگاه نمی‌تواند به جرم شخص بزرگسال رسیدگی کند و فقط در یک مورد مجاز به رسیدگی است که در تبصره همین ماده<sup>۲</sup> به آن اشاره شده است. با توجه به این مقرر، این نتیجه به دست می‌آید که وقتی طفل یا نوجوان با مشارکت یا معاونت اشخاص بزرگسال مرتکب جرم شود و یا در ارتکاب جرم با اشخاص بزرگسال معاونت کند، دادگاه اطفال و نوجوانان فقط مجاز به رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان است و نمی‌تواند به جرایم بزرگسالان رسیدگی کند.

### ۱-۲. دادگاه اطفال و نوجوانان به عنوان مرجع تخصصی

ضروریات مختلفی از جمله ابعاد فنی و پیچیده موضوع، اهمیت ویژه دعوا، حساسیت‌های اجتماعی و آثار روانی بر جامعه در برخی موضوعات موجب شده است تا مراجع قضایی تخصصی شکل بگیرند. از این رو، سیاست جنایی تقنینی یا قضایی، بنا بر مقتضیات موجود بر تشکیل شعبه متمایز از سایر شعب رسیدگی‌کننده تأکید می‌کند تا با کاهش کمی ورودی پرونده‌ها موجب افزایش سطح کیفی برخی پرونده‌های خاص شود. قضات متصدی شعب تخصصی، ضمن گذراندن دوره‌های آموزشی ویژه معمولاً اوصاف شخصیتی، سوابق کاری و تحصیلات دانشگاهی مرتبط با حوزه پرونده‌های ارجاعی به شعب تخصصی را دارند. به بیان دیگر، دادگاه‌های تخصصی از این نظر که قاضی علاوه بر دانش قضایی عام، باید در خصوص جرایمی که رسیدگی می‌کند، تخصص خاص داشته باشد، از حیث منطق حقوقی واکنش اتخاذی او در قبال پدیده مجرمانه و تطبیق آن با شخصیت بزه‌کار و مصالح بزه‌دیده و جامعه انطباق بیشتری دارد. این نحوه رسیدگی از لحاظ شناسایی علل و عوامل جرم‌زا و اتخاذ واکنش جزایی مناسب، مطلوب علوم جنایی و جرم‌شناسی است (مؤذن‌زادگان، ۱۴۰۲: ۲۰۹).

بر اساس اصل لزوم رسیدگی اختصاصی به جرایم ارتكابی اطفال، در نظام‌های حقوقی، شعب خاصی از دادگاه‌های عمومی برای رسیدگی به بزهکاری اطفال اختصاص داده شده و گاهی با اقداماتی اصولی‌تر تشکیلات اختصاصی گسترده‌تری برای این مهم پیش‌بینی و راه‌اندازی شده

۱. ماده ۳۱۲: «هرگاه یک یا چند طفل یا نوجوان با مشارکت یا معاونت اشخاص بزرگسال مرتکب جرم شوند و یا در ارتکاب جرم با اشخاص بزرگسال معاونت نمایند، فقط به جرایم اطفال و نوجوانان در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود».

۲. تبصره ماده ۳۱۲: «در جرایمی که تحقق آن منوط به فعل دو یا چند نفر است، در صورتی که رسیدگی به اتهام یکی از متهمان در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان باشد، رسیدگی به اتهام کلیه متهمان در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آید. در این صورت اصول حاکم بر رسیدگی به جرایم اشخاص بالاتر از ۱۸ سال تابع قواعد عمومی است».

است (شاملو، ۱۳۹۱: ۱۷۵). در ایران نخستین بار دادگاه اطفال در آذر ۱۳۳۸ به موجب قانون تشکیل دادگاه اطفال تشکیل شد. این دادگاه صلاحیت رسیدگی به جرایم افراد زیر ۱۸ سال را داشت و در آن حضور دو مشاور پیش‌بینی شده بود که به دادگاه نظر مشورتی می‌دادند. با پیروزی انقلاب، تشکیلات دادگاه اطفال از بین رفت و عملاً به جرایم اطفال نیز در دادگاه‌های عمومی رسیدگی شد تا اینکه قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) سال ۱۳۷۸ مجدداً به موضوع اطفال توجه کرد و شعب خاصی از دادگاه عمومی را برای رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان مشخص کرد. قانون‌گذار در قانون جدید نیز همین رویه را ادامه داده و رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان را در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان دانسته است (فرهی، ۱۳۹۶: ۲۴۰).

در مقابل حقوق‌دانانی که قائل به اختصاصی بودن صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان برای رسیدگی به جرایم این دسته از افرادند، برخی دیگر نظر مخالف دارند و بر این باورند که این دادگاه، شعبه‌ای تخصصی از دادگاه کیفری دو است، همچنین معتقدند دادگاه‌های کیفری یک و دو و دادگاه اطفال و نوجوانان جزو دادگاه‌های عمومی اند و دادگاه‌های انقلاب و نظامی جزو دادگاه‌های اختصاصی یا استثنایی هستند (ناجی زواره، ۱۳۹۵: ۱۲؛ فرهی، ۱۳۹۶، ۲۳۸؛ رحمدل، ۱۳۹۳: ۱۹۹). در قانون آیین دادرسی کیفری قرائنی وجود دارد که می‌توان این نظر را پذیرفت که دادگاه اطفال و نوجوانان دادگاهی تخصصی محسوب می‌شود و به جرایم اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌کند. در این خصوص برخی از مواد و تبصره‌های قانون تحلیل می‌شود.

#### ۱-۲-۱. تبصره ماده ۲۹۸ و ماده ۴۰۳

اولین تبصره‌ای که می‌تواند دلالت بر تخصصی بودن دادگاه اطفال و نوجوانان داشته باشد، تبصره ماده ۲۹۸ ق.آ.د.ک است. مطابق این تبصره: «... تا زمانی که دادگاه اطفال و نوجوانان در محلی تشکیل نشده است، به کلیه جرایم اطفال و نوجوانان به جز جرایم مشمول ماده (۳۱۵) این قانون، در شعبه دادگاه کیفری دو یا دادگاهی که وظایف آن را انجام می‌دهد، رسیدگی می‌شود». چنانچه باور بر آن باشد که صلاحیت ذاتی دادگاه اطفال و نوجوانان با دادگاه کیفری دو متفاوت است، آیا می‌توان قائل به این نظر بود که دادگاه کیفری دو و دادگاه بخش بتوانند به جرایمی رسیدگی کنند که در صلاحیت ذاتی آن مرجع نیست؟

قواعد صلاحیت ذاتی از قواعد اساسی و مربوط به قواعد آمره است و این قواعد برای ایجاد نظم عمومی به وجود آمده است و کسی که برخلاف صلاحیت ذاتی توافق کند، در واقع نظم عمومی را خدشه‌دار کرده است. یکی از نتایج این گفته این است که در هر مرحله از رسیدگی،

چنانچه دادگاه احراز کند که صلاحیت ذاتی رسیدگی به پرونده را ندارد، ضمن نفی صلاحیت از خود بایستی آن را به مرجع صالح ارسال کند و مجاز به ادامه رسیدگی نیست. مطابق مواد ۴۵۰ و ۴۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، چنانچه رأی از سوی مرجعی صادر شده باشد که صلاحیت ذاتی رسیدگی به جرمی را ندارد، دیوان عالی کشور و دادگاه تجدیدنظر استان در جایگاه مرجع فرجام‌خواهی و تجدیدنظرخواهی، ضمن نقض رأی صادره، پرونده را برای رسیدگی مجدد به مرجع صالح ارسال می‌کنند. نکته مهم دیگر آن است که تا زمان تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان، دادگاه بخش به بزهکاری اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌کند، در حالی که اگر صلاحیت ذاتی نداشت، می‌بایست پرونده را برای سیر مراحل قانونی به دادگاه اطفال و نوجوانان شهرستان ارسال کند؛ مانند آنچه در جرایم در صلاحیت دادگاه انقلاب رخ می‌دهد.

همچنین مطابق ماده ۴۰۳ ق.آ.د.ک: «دادگاه کیفری یک با رعایت صلاحیت ذاتی، پس از شروع به رسیدگی نمی‌تواند قرار عدم صلاحیت صادر کند و به هر حال باید رأی مقتضی را صادر نماید». به عبارت دیگر، دادگاه کیفری یک حتی بعد از شروع به رسیدگی، چنانچه احراز کند که صلاحیت ذاتی رسیدگی به جرمی را ندارد، نمی‌تواند رسیدگی را ادامه دهد و بایستی آن را به مرجع صالح ارسال کند و قرار عدم صلاحیت یادشده در ماده که دادگاه از صدور آن منع شده، قرار عدم صلاحیت محلی است (خالقی، ۱۴۰۲: ۵۱۸). این موضوع نشان از اهمیت رعایت قواعد صلاحیت ذاتی در رسیدگی به پرونده‌ها دارد. در تبصره ۱ ماده ۲۹۶ (ارسال پرونده به نزدیک‌ترین شعبه هم‌عرض دادگاه کیفری یک)<sup>۱</sup> و تبصره ۵۸۷ قانون (ارسال پرونده به نزدیک‌ترین شعبه دادگاه نظامی یک یا تجدیدنظر نظامی)<sup>۲</sup> نیز، با توجه به اهمیت رعایت صلاحیت ذاتی برای رسیدگی به جرم، مرجع قضایی مکلف شده است پرونده را به نزدیک‌ترین شعبه هم‌عرض ارسال کند و به درستی اجازه رسیدگی به دادگاه کیفری دو یا دادگاهی دیگر داده نشده است. چنانچه قانون‌گذار در خصوص جرایم ارتكابی از سوی اطفال و نوجوانان نیز همین دیدگاه را داشت، باید تا زمان تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان در یک حوزه، نزدیک‌ترین حوزه قضایی را که در آن دادگاه اطفال و نوجوانان تشکیل شده بود، صالح به رسیدگی جرایم در صلاحیت این دادگاه می‌دانست.

۱. تبصره ۱ ماده ۲۹۶: «دادگاه کیفری یک در مرکز استان و به تشخیص رئیس قوه قضائیه در حوزه قضایی شهرستان‌ها تشکیل می‌شود. در حوزه‌هایی که این دادگاه تشکیل نشده است، به جرایم موضوع صلاحیت آن در نزدیک‌ترین دادگاه کیفری یک در حوزه قضایی آن استان رسیدگی می‌شود».

۲. تبصره ماده ۵۸۷: «هرگاه در استانی دادگاه نظامی یک یا تجدیدنظر نظامی تشکیل نشده یا بلا تصدی باشد یا به جهاتی از قبیل رد دادرس، امکان رسیدگی در استان فراهم نبوده و اعزام قاضی مأمور نیز مقدور نباشد، رسیدگی به پرونده‌های مربوط، حسب مورد در نزدیک‌ترین حوزه قضایی به عمل می‌آید».

## ۱-۲-۲. تبصره ۲ ماده ۳۰۴

با توجه به صدر ماده ۳۰۴ ملاک صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان سن مرتکب است و علی‌الاصول هرگاه سخن از ملاک سن مرتکب برای تعیین صلاحیت یک مرجع قضایی در میان باشد، سن او در زمان ارتکاب جرم مورد نظر است، اما با توجه به تبصره ۲ ماده ۳۰۴<sup>۲</sup> برای رسیدگی به اتهام شخص در دادگاه اطفال و نوجوانان، سن مرتکب در زمان شروع به رسیدگی ملاک است (خالقی، ۱۴۰۲: ۲۳۵).

از عبارت یادشده در تبصره ۲ ماده ۳۰۴ ق.آ.د.ک مبنی بر اینکه «چنانچه قبل از شروع به رسیدگی سن متهم از ۱۸ سال تمام تجاوز کند، رسیدگی به اتهام وی حسب مورد در دادگاه کیفری صالح صورت می‌گیرد»، چنین استنباط می‌شود که دادگاه اطفال و نوجوانان دادگاهی اختصاصی محسوب نمی‌شود؛ زیرا چنانچه این دادگاه، مرجعی با صلاحیت ذاتی متفاوت نسبت به دیگر دادگاه‌های کیفری بود، مراجع دیگر نمی‌توانستند به اتهام شخصی که در حال طفولیت یا نوجوانی مرتکب جرم شده است، رسیدگی کنند. البته ماده ۳۱۵ استثنای دیگری از نظر سن مرتکب و نوع جرم را بیان کرده است که در مباحث آتی به آن اشاره خواهد شد.

## ۱-۲-۳. تبصره ۱ ماده ۳۱۴

مطابق تبصره ۱ ماده ۳۱۴: «هرگاه شخصی متهم به ارتکاب جرایم متعددی باشد که رسیدگی به بعضی از آن‌ها در صلاحیت دادگاه کیفری یک و رسیدگی به بعضی دیگر در صلاحیت دادگاه کیفری دو و یا اطفال و نوجوانان است، به تمام جرایم او در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود». به نظر می‌رسد این تبصره نشان از غیر اختصاصی بودن دادگاه اطفال و نوجوانان دارد؛ زیرا حرف اضافه «یا» در میان دادگاه کیفری دو و دادگاه اطفال و نوجوانان در این تبصره، به این معنا است که ارتباط میان این دو مرجع کیفری از یک جنس و نوع یکسان است و همان حکمی که میان دادگاه کیفری یک و دو است، نسبت به دادگاه کیفری یک و دادگاه اطفال و نوجوانان نیز برقرار است. این به آن علت است که دادگاه اطفال و نوجوانان، صلاحیت ذاتی متفاوتی نسبت به دادگاه

۱. ماده ۳۰۴: «به کلیه جرایم اطفال و افراد کمتر از ۱۸ سال تمام شمسی در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود. در هر صورت محکومان بالای سن ۱۸ سال تمام موضوع این ماده، در بخش نگهداری جوانان که در قانون اصلاح و تربیت ایجاد می‌شود، نگهداری می‌شوند».

۲. تبصره ۲ ماده ۳۰۴: «هرگاه در حین رسیدگی سن متهم از ۱۸ سال تمام تجاوز نماید، رسیدگی به اتهام وی مطابق این قانون در دادگاه اطفال و نوجوانان ادامه می‌یابد. چنانچه قبل از شروع به رسیدگی سن متهم از ۱۸ سال تمام تجاوز کند، رسیدگی به اتهام وی حسب مورد در دادگاه کیفری صالح صورت می‌گیرد. در این صورت متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود، بهره‌مند می‌گردد».

کیفری یک و دو ندارد. بنابراین بر اساس صراحت تبصره یادشده، مبنی بر لزوم رسیدگی توأمان به اتهامات متعدد متهم که برخی در صلاحیت دادگاه کیفری یک و برخی در صلاحیت دادگاه کیفری دو یا اطفال و نوجوانان است، در مرجع قضایی واحد (دادگاه کیفری یک) خدشه‌ای وارد نیست. بدیهی است با توجه به اینکه صلاحیت ذاتی دادگاه‌های کیفری یک و دو از نوع واحد است (خالقی، ۱۴۰۲: ۴۵۴)، نمی‌توان به لزوم رسیدگی توأمان به اتهامات متعدد متهم که برخی در صلاحیت دادگاه کیفری یک و برخی در صلاحیت دادگاه کیفری دو است، خدشه‌ای وارد آورد. با این حال، اگر عقیده بر این باشد که دادگاه اطفال و نوجوانان صلاحیت ذاتی متفاوتی نسبت به دادگاه کیفری یک دارد، نمی‌توان مجوز رسیدگی به جرایم ارتكابی در زمان طفولیت یا نوجوانی را در دادگاه کیفری یک صادر کرد و همین مطلب دلالت بر غیر اختصاصی بودن دادگاه اطفال و نوجوانان دارد.

همان‌طور که به دلیل اختلاف در صلاحیت ذاتی، نمی‌توان در دادگاهی واحد به اتهامات شخصی که در ۱۷ سالگی مرتکب آدم‌ربایی و در ۱۹ سالگی مرتکب حمل موادمخدر شده است، رسیدگی کرد، فارغ از نوع جرم و دادگاه صالح باید در مطلق جرایم ارتكابی قبل و بعد از ۱۸ سالگی این نگرش وجود داشته باشد. پذیرش اختصاصی بودن دادگاه اطفال و نوجوانان، مصداق سیاست «یک بام و دو هوا» است؛ زیرا اگر این دادگاه صلاحیت ذاتی متفاوتی با دادگاه کیفری یک داشت، دادگاه اخیر الذکر هرگز نمی‌توانست به جرایم در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی کند. از این رو، همان‌طور که مرز صلاحیت ذاتی میان دادگاه اطفال و دادگاه انقلاب به درستی رعایت شده است و به جرایم قبل و بعد از ۱۸ سالگی در دادگاهی واحد رسیدگی نمی‌شود، همین قاعده باید در میان سایر محاکم نیز جاری باشد.

#### ۱-۲-۴. ماده ۳۱۵ و تبصره ۱ آن و ماده ۴۴۴

با توجه به اینکه مطابق ماده ۳۱۵ ق.آ.د.ک: «جرایم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک و همچنین انقلاب در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌شود، اگر توسط افراد بالغ زیر ۱۸ سال تمام شمسی ارتکاب یابد، در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان رسیدگی... می‌گردد»، همچنین حسب تبصره ۱ ماده یادشده: «در هر شهرستان به تعداد مورد نیاز، شعبه یا شعبی از دادگاه کیفری یک به‌عنوان «دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان» برای رسیدگی به جرایم موضوع این ماده اختصاص می‌یابد و تخصصی بودن این شعب، مانع از ارجاع سایر پرونده‌ها به آن‌ها نیست» و با عنایت به اینکه قانون‌گذار در تبصره ماده ۳۱۵ ق.آ.د.ک، دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان را دادگاهی تخصصی قید کرده است، می‌توان گفت دادگاه

اطفال دادگاهی اختصاصی نیست، بلکه شعبه‌ای تخصصی از دادگاه‌های کیفری است که با حفظ صلاحیت عام خود برای رسیدگی به همه جرایم، تخصصاً به جرایم اطفال و نوجوانان نیز رسیدگی می‌کند (جوآنمرد، ۱۳۹۴: ۳۱۲-۳۱۳). با این حال، برخی بر این باورند که با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲، قانون‌گذار به‌طور صریح در کنار سایر دادگاه‌های کیفری به دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه کیفری یک ویژه نوجوانان اشاره و با تخصیص صلاحیت ذاتی برای این دو دادگاه، تشریفات دادرسی ویژه‌ای را در مواد مختلف قانون مقرر کرده است (خاطری و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۷۶). به نظر می‌رسد، این دیدگاه دست‌کم در مورد صلاحیت ذاتی دادگاه کیفری یک ویژه نوجوانان ایرادات اساسی دارد، زیرا این مرجع به تصریح تبصره ۱ ماده ۳۱۵ ق.آ.د.ک، مرجع تخصصی است و نمی‌توان برای آن، شأن و جایگاه اختصاصی قائل شد.

همچنین به نظر می‌رسد که ماده ۴۴۴ ق.آ.د.ک نیز دلالت بر تخصصی بودن دادگاه اطفال و نوجوانان دارد، زیرا شعبه خاصی از دادگاه تجدیدنظر استان، مرجع رسیدگی به درخواست تجدیدنظر از آرا و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان است. این شعبه همانند شعبه دادگاه کیفری ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان، شعبه‌ای تخصصی است و ارجاع سایر پرونده‌ها به آن بلامانع است؛ همچنان که به موجب ماده ۲۸۵ ق.آ.د.ک دادسرای ویژه نوجوانان نیز شعبه‌ای از دادسرای عمومی و انقلاب است و لذا در تخصصی بودن دادسرای مذکور هم تردیدی وجود ندارد.

## ۲. اختصاصی یا تخصصی بودن دادگاه‌های اطفال و نوجوانان در آئینه رویه قضایی

اطفال و نوجوانان به لحاظ سنی و شخصیتی در برابر وقایع اجتماعی، از جمله انحراف و بزهکاری، آسیب‌پذیرتر از دیگران‌اند. اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرم می‌شوند، در واقع، قربانی کوتاهی نهادهای اجتماعی از جمله خانواده، مدرسه، محله و مانند این‌ها در انجام رسالت‌های تربیتی و آموزشی خود می‌شوند. اگرچه از نظر حقوقی، این قبیل اطفال و نوجوانان در مقاطع سنی خاصی تا اندازه‌ای تابعان حقوق کیفری به شمار می‌روند و بنابراین، به لحاظ ارتکاب جرمشان باید مشمول ضمانت اجرای کیفری باشند، در این فرایند نیز باید مشمول حمایت‌های حقوقی واقع شوند. سیاست افتراقی ناظر بر بزهکاری اطفال در همین چهارچوب معنا می‌یابد و توجیه می‌شود (مهرا، ۱۳۸۵: ۴۱). طبق حقوق کیفری عرفی و حقوق اسلام، کودکان و نوجوانان در صورت ارتکاب جرم فاقد مسئولیت کیفری هستند، اما ضرورت دستیابی به هدف تعلیم و تربیت و نوسازی شخصیت کودک بزهکار و پیشگیری از تکرار جرم آنان، تأمین امنیت جامعه، امنیت قضایی و جبران خسارت زیان‌دیده از بزه ایجاب می‌کند که نظام قضایی در تأمین این اهداف، موضوع ارتکاب جرم را پیگیری و واکنش جزایی مناسبی مبتنی بر اصول علمی اتخاذ کند. در زمینه دادرسی، شرایط خاص

روحي و رواني و اجتماعي اطفال و نوجواناني که با ارزش‌هاي اجتماع سر ستيز داشته و معارض با قانون شناخته شده‌اند و ظرافت‌هاي مخصوص مواجهه با آنان در تأمين هدف تربيت و بازسازگاري اجتماعي ايشان، موجب شده است که تعقيب و تحقيقات مقدماتي و نحوه محاکمه ويژه‌اي متمايز از بزرگسالان در رسيدگي به اتهام آنان در نظر گرفته شود. از اين رو است که دادرسي ويژه کودکان و نوجوانان در نظام‌هاي دادرسي کيفري به نحوي مجزا تدوين شده است (معظمي، ۱۳۹۴: ۲۵).

در خصوص تصدي مقام قضايي صالح در دادگاه اطفال، کشورهاي مختلف رويکردهاي متفاوتي برگزيده‌اند. برخي کشورها مانند بلژيک، آمريکا، ژاپن و يونان، سيستم وحدت قاضي را در دادگاه اطفال انتخاب کرده‌اند. دسته ديگر از کشورها نظير انگلستان و برخي از کانتون‌هاي سوئيس (مانند ژنو) هيئت مخصوصي از دو يا سه قاضي را عهده‌دار رسيدگي به جرايم اطفال و نوجوانان قرار داده‌اند. در برخي ديگر از کشورها همچون فرانسه، هلند و لهستان، شيوه‌اي مختلط انتخاب شده است؛ بعضي از دادگاه‌هاي اطفال و نوجوانان، با قاضي واحد تشکيل مي‌شوند و بيشتر به جرايم خرد و سبک رسيدگي مي‌کنند و بعضي ديگر از اين دادگاه‌ها، با تعدد قضات تشکيل مي‌شوند و به جنايات و جرايم سنگين رسيدگي مي‌کنند.<sup>۱</sup>

در عرصه بين‌المللي، با حمايت سازمان ملل متحد، اسناد الزام‌آور و ارشادي گوناگوني مانند پيمان‌نامه حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹، اصول سازمان ملل متحد براي پيشگيري از بزهکاري نوجوانان (رهنمودهاي رياض ۱۹۹۰)، حداقل قواعد استاندارد سازمان ملل متحد براي دادرسي ويژه نوجوانان (مقررات پکن ۱۹۸۵)، نمونه قانون قضايي براي نوجوانان مصوب ۱۹۹۸، مقررات سازمان ملل متحد براي حمايت از نوجوانان محروم‌شده از آزادي مصوب ۱۹۹۰ براي کشورهای مختلف، در راستاي حمايت کيفري از اطفال و نوجوانان خواه به‌عنوان بزهکار و خواه بزه‌ديده تدوين شده است. در پيمان حقوق کودک که شاخص‌ترين سند بين‌المللي در اين زمينه است در قسمت سوم بخش «ب» بند ۲ ماده ۴۰، رسيدگي به اتهام از سوي يک مقام يا مرجع قضايي صلاحيت‌دار را براي اطفال و نوجوانان به رسميت شناخته است. خوشبختانه در سال ۱۳۷۲، ايران به پيمان‌نامه حقوق کودک پيوسته است و اکنون، اين پيمان‌نامه به‌مثابه سندی بالادستي بر کليه قوانين و مقررات کيفري ايران سايه انداخته است. در اين خصوص، برقراري دادرسي عادلانه براي بزهکاري اطفال و نوجوانان و تعيين دادگاه متمايز و مناسب براي اين قشر از مجرمان، الزامي و ضروري است.

در اين پژوهش، ۵۰ پرونده قضايي در استان اصفهان بررسي شده است که در آنها ميان دادگاه

۱. براي مطالعه بيشتر راجع به سازمان و تشکيلات دادگاه‌هاي اطفال و نوجوانان در ساير کشورها مراجعه کنيد به: صلاحی، ۱۳۸۸: ۲۶۶ و ۲۶۷.

اطفال و نوجوانان و دادگاه‌های کیفری دو بر سر صلاحیت رسیدگی اختلاف وجود داشته و پرونده برای حل اختلاف به دیوان عالی کشور یا دادگاه تجدیدنظر استان اصفهان ارسال شده است.<sup>۱</sup> از این رو، سعی بر این است که در پرتو رویه قضایی، اختصاصی یا تخصصی بودن دادگاه اطفال و نوجوانان تحلیل و بررسی شود. با مطالعه استدلال‌های مندرج در قرارهای عدم صلاحیت از سوی شعب مختلف دادگاه‌های کیفری دو و شعبه اول دادگاه اطفال و نوجوانان،<sup>۲</sup> مشخص می‌شود که این دادگاه‌ها گاهی به صراحت به فقدان صلاحیت ذاتی اشاره و آن را به مرجع صالح ارسال کرده‌اند و گاهی نیز صرفاً با اعلام فقدان صلاحیت (به‌طور کلی)، پرونده را به مرجع صالح فرستاده‌اند. طبق بررسی این پرونده‌ها، با وجود اینکه طرفین اختلاف دادگاه‌های کیفری دو و اطفال و نوجوانان بوده‌اند، دو رویه متفاوت برای ارسال پرونده به مرجع حل اختلاف پیش گرفته شده است؛ به این ترتیب که برخی پرونده‌ها به دادگاه تجدیدنظر استان و برخی به دیوان عالی کشور ارسال شده‌اند. با این حال، در خصوص حل اختلاف میان دادگاه انقلاب و دادگاه اطفال و نوجوانان، رویه قضایی واحدی وجود دارد و پرونده‌ها برای حل اختلاف در راستای مواد ۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی و ۳۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری صرفاً به دیوان عالی کشور ارسال می‌شوند و نمونه‌ای از ارسال پرونده به دادگاه تجدیدنظر استان مشاهده نمی‌شود.<sup>۳</sup> این موضوع نشان‌دهنده اتفاق نظر در خصوص تفاوت دو دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه انقلاب از حیث صلاحیت ذاتی است.

## ۱-۲. حل اختلاف در صلاحیت از سوی دیوان عالی کشور

مطابق ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی، دیوان عالی کشور در صورتی مرجع حل اختلاف در صلاحیت میان مراجع قضایی و غیرقضایی است که «بین دادگاه‌های عمومی، نظامی و انقلاب، اختلاف محقق شود یا در مواردی که دادگاه‌ها اعم از عمومی، نظامی و انقلاب به صلاحیت مراجع غیرقضایی از خود نفی صلاحیت کنند و یا خود را صالح بدانند».

به محض بروز اختلاف در صلاحیت ذاتی اعم از اینکه بین مراجع یک استان باشد یا دو استان،

۱. بازه زمانی صدور آرای صادره از سوی شعب مختلف دادگاه‌های کیفری دو، اطفال و نوجوانان، دادگاه‌های تجدیدنظر و شعب دیوان عالی کشور از ۱۴۰۱/۰۴/۰۱ تا ۱۴۰۲/۱۲/۲۳ است.

۲. شعبه دادگاه اطفال و نوجوانان اصفهان که در این تحقیق به آرای صادره از آن اشاره شده، شعبه اول این دادگاه است و علت اشاره به آرای اصداری از این شعبه خاص، نبود شعبه دیگر دادگاه اطفال و نوجوانان در حوزه قضایی شهر اصفهان است.

۳. حسب مطالعه پرونده‌های قضایی موضوع این پژوهش، شعبه ۱۱ دیوان عالی کشور در پرونده‌های کلاس ۱۴۰۰۲۳۱۴۴۰۰ و ۱۴۰۱۰۹۹۲۰۰۰۳۸۸۵۱ و ۱۴۰۱۰۹۹۲۰۰۰۱۰۳۸۸۵۱ که میان شعبه ۳ دادگاه انقلاب اصفهان و دادگاه اطفال و نوجوانان اصفهان، اختلاف حادث شده بود، با اعلام صلاحیت دادگاه انقلاب حل اختلاف کرد.



داشته است: «... در فرض حدوث اختلاف فی مابین دادگاه‌های مذکور نظر به اینکه صلاحیت دادگاه‌های عمومی نسبت به دادگاه‌های نظامی و انقلاب از جمله صلاحیت ذاتی آنان است و در مانحن‌فیه شعبه ۱۳۰ دادگاه کیفری دو شهرستان اصفهان و شعبه اول دادگاه ویژه اطفال و نوجوانان همان شهرستان عمومی محسوب و در حوزه قضایی یک استان واقع گردیده‌اند... پرونده قابل طرح در دیوان عالی کشور نمی‌باشد» و لذا برای حل اختلاف پرونده به دادگاه تجدیدنظر استان اصفهان ارسال شده است. شعبه ۱۶ دادگاه تجدیدنظر استان هم با بیان این موضوع که اختلاف این دو دادگاه، اختلاف در صلاحیت نسبی است، با اعلام صلاحیت دادگاه کیفری دو حل اختلاف کرده است. همچنین در پرونده کلاسه ۱۴۰۲۰۹۹۲۰۰۵۱۲۹۶۷۷ همین شعبه دیوان عالی کشور (شعبه ۲۴) با استدلالی مشابه با استدلال یادشده، در رأی اصداری مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۰۶، پرونده را قابل طرح در دیوان عالی کشور ندانسته و شعبه ۲۳ دادگاه تجدیدنظر استان اصفهان مبادرت به حل اختلاف کرده است.

در پرونده کلاسه ۱۴۰۲۰۹۹۲۰۰۱۷۱۰۱۸۵ نیز شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور در رأی اصداری مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۲۴ که در مقام حل اختلاف بین شعبه ۱۲۰ دادگاه کیفری دو اصفهان و شعبه اول دادگاه اطفال و نوجوانان بوده، مقرر داشته است: «... با توجه به وحدت ملاک رأی وحدت رویه شماره ۸۴۱ مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۲۱ هیئت عمومی دیوان عالی کشور و همچنین معیار صلاحیت نسبی رأی وحدت رویه شماره ۶۸۶ مورخ ۱۳۸۵/۰۲/۰۵ همان مرجع، حل اختلاف... فی مابین دو دادگاه بدوی «کیفری دو و دادگاه اطفال و نوجوانان شهر اصفهان» از قابلیت طرح در شعب دیوان عالی کشور برخوردار نبوده...» و پرونده در شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان اصفهان مطرح شده که در نهایت به صلاحیت دادگاه کیفری دو حل اختلاف شده است. همین شعبه دیوان عالی (شعبه ۳۳) در مقام حل اختلاف بین شعبه ۱۰۵ دادگاه کیفری دو اصفهان و شعبه اول دادگاه اطفال و نوجوانان اصفهان در پرونده دیگری با کلاسه ۱۴۰۱۰۹۹۲۰۰۵۱۶۷۰۱۶ در تاریخ ۱۴۰۲/۱۱/۲۴ با استدلالی مشابه استدلال قبلی، موضوع را قابل طرح در دیوان عالی ندانسته و در نهایت شعبه ۱۴ دادگاه تجدیدنظر استان، دادگاه کیفری دو را صالح به رسیدگی تشخیص داده است.

گفتنی است شعبه ۳۹ دیوان عالی کشور در پرونده کلاسه ۱۴۰۱۰۹۹۲۰۰۰۸۳۳۳۲۲ در مقام حل اختلاف بین شعبه ۱۱۰ دادگاه کیفری دو اصفهان و شعبه اول دادگاه اطفال و نوجوانان این شهرستان، در رأی اصداری مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۱۴ بدون ذکر استدلال خاصی و صرفاً با بیان اینکه: «...در اجرای ماده ۳۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری ناظر بر ماده ۲۷ قانون آیین دادرسی مدنی حل اختلاف بین مراجع قضایی به شرح مذکور در صلاحیت دادگاه تجدیدنظر استان مربوطه بوده...» پرونده را قابل طرح در دیوان عالی ندانسته است. به نظر می‌رسد با توجه به اینکه در رأی اصداری

به ماده ۲۷ قانون اخیرالذکر<sup>۱</sup> اشاره شده، نظر شعبه ۳۹ دیوان عالی نیز این است که دادگاه اطفال و نوجوانان مرجعی اختصاصی تلقی نمی‌شود و به همین علت از حل اختلاف امتناع کرده است. نکته مهم این است که شعبه اول دادگاه اطفال و نوجوانان در تلقی این موضوع که اختلاف میان این دادگاه و دادگاه کیفری دو، اختلاف در صلاحیتی ذاتی است یا خیر، رویه واحدی به کار نگرفته است. برای مثال در پرونده کلاسه ۱۴۰۱۰۹۹۲۰۰۰۱۴۶۰۹۵۱ شعبه ۱۳۲ دادگاه کیفری دو اصفهان به اعتبار سن متهم در زمان ارتکاب جرم، پرونده را به دادگاه اطفال و نوجوانان ارسال می‌کند و این دادگاه نیز با این استدلال که قبل از شروع به رسیدگی و تعیین وقت رسیدگی سن متهم بالای ۱۸ سال تمام ششمی است و این شعبه دادگاهی اختصاصی با صلاحیت ذاتی برای رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان است، پرونده را برای حل اختلاف به دیوان عالی کشور ارسال می‌کند. شعبه ۴۸ دیوان عالی کشور نیز با تعیین صلاحیت دادگاه کیفری دو حل اختلاف می‌کند. اما در پرونده کلاسه ۱۴۰۰۰۹۹۲۰۰۰۵۴۵۰۲۸۹ شعبه ۱۱۸ دادگاه کیفری دو دقیقاً با استدلال بیان شده از سوی شعبه ۱۳۲، پرونده را به دادگاه اطفال و نوجوانان ارسال می‌کند و دادگاه اطفال و نوجوانان نیز با بیان استدلال پیشین خود، پرونده را برای حل اختلاف این بار به دادگاه تجدیدنظر استان ارسال می‌کند. شعبه ۱۶ دادگاه تجدیدنظر استان اصفهان نیز با توجه به اینکه سن متهم در زمان رسیدگی به پرونده در شعبه ۱۱۸ دادگاه کیفری دو، کمتر از ۱۸ سال بوده است، در راستای ماده ۲۷ قانون آیین دادرسی مدنی با تعیین دادگاه اطفال و نوجوانان به عنوان مرجع صالح، حل اختلاف می‌کند. افزون بر موارد یادشده، در ۱۳ پرونده دیگر از مجموع ۵۰ پرونده مورد بررسی، شعب دیوان عالی کشور، بدون ذکر استدلال در خصوص علت طرح موضوع در دیوان عالی کشور، بین دادگاه‌های صادرکننده قرار عدم صلاحیت که شعب مختلف دادگاه کیفری دو اصفهان و دادگاه اطفال و نوجوانان اصفهان هستند، حل اختلاف کرده‌اند.<sup>۲</sup> این موضوع دلالت بر پذیرش حدوث اختلاف بین دو دادگاه از حیث صلاحیت ذاتی دارد و در نتیجه از دیدگاه شعب مذکور، دادگاه اطفال و نوجوانان نوعی دادگاه اختصاصی تلقی شده است.

۱. ماده ۲۷: «در صورتی که دادگاه رسیدگی کننده خود را صالح به رسیدگی نداند با صدور قرار عدم صلاحیت، پرونده را به دادگاه صلاحیتدار ارسال می‌نماید. دادگاه مرجوع‌الیه مکلف است خارج از نوبت نسبت به صلاحیت اظهارنظر نماید و چنانچه ادعای عدم صلاحیت را نپذیرد، پرونده را جهت حل اختلاف به دادگاه تجدیدنظر استان ارسال می‌کند. رأی دادگاه تجدیدنظر در تشخیص صلاحیت لازم‌الاتباع خواهد بود...».

۲. ۱۴۰۰/۱۴۰۱۰۹۳۹۰۰۱۵۴۴۳۳۳/۹۹۰۹۹۸۰۳۶۰۰۰۶۵۳/۱۴۰۱۰۹۹۲۰۰۰۳۷۷۸۴۱۶/۱۴۰۱۰۹۹۲۰۰۰۱۹۸۴۲۶۶  
 ۱۴۰۱۰۹۹/۱۴۰۲۹۹۲۰۰۰۰۴۰۰۵۶۲/۱۴۰۰۹۹۲۰۰۰۳۷۳۴۴۴/۱۴۰۱۰۹۹۲۰۰۰۳۵۳۱۷۹۴/۹۹۲۰۰۰۶۱۰۱۶۰  
 ۱۴۰۱۰۹۹۲۰/۱۴۰۱۰۹۹۲۰۰۰۷۶۹۱۲۲۳/۱۴۰۲۰۹۹۲۰۰۰۲۳۸۰۰۸۸/۱۴۰۲۰۹۹۲۰۰۰۱۱۹۸۳۱/۲۰۰۰۰۷۵۱۰۲۱



تأسیس شعبه اول دادگاه اطفال و نوجوانان، شعبه ۱۱۰ کیفری دو با صدور قرار عدم صلاحیت، پرونده را به دادگاه اطفال ارسال کرده که دادگاه اطفال نیز صلاحیت خود را احراز نکرده و پرونده را برای حل اختلاف به دادگاه تجدیدنظر استان ارسال کرده بود. شعبه ۱۶ دادگاه با ذکر این موضوع که: «... هر دو شعبه فعلاً به نوعی شعبه کیفری دو ویژه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان هستند...» استدلال شعبه اول دادگاه اطفال و نوجوانان را صائب دانست و با اعلام صلاحیت شعبه ۱۱۰ دادگاه کیفری دو اصفهان حل اختلاف کرد. از تصمیم شعبه ۱۶ دادگاه تجدیدنظر، دو نکته استنباط می‌شود:

۱- دادگاه اطفال و نوجوانان دادگاهی اختصاصی محسوب نمی‌شود، وگرنه بایستی دادگاه تجدیدنظر، در راستای ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی، پرونده را به مرجع ذی صلاح (دیوان عالی کشور) ارسال و از حل اختلاف اجتناب می‌کرد. بدین ترتیب، دادگاه تجدیدنظر، شعبه اول دادگاه اطفال و نوجوانان را، شعبه‌ای تخصصی از دادگاه کیفری دو محسوب کرده است.

۲- با توجه به اینکه در زمان ارجاع پرونده، دادگاه اطفال و نوجوانان، راه اندازی نشده بود و دادگاه کیفری دو با ابلاغ ویژه رئیس قوه قضائیه، صلاحیت داشته است و مطابق ماده ۳۳۹ قانون آیین دادرسی کیفری، پس از ارجاع پرونده نمی‌توان آن را از شعبه مرجع‌الیه، اخذ و به شعبه دیگر ارجاع داد، مگر به تجویز قانون و در این وضعیت، مجوز قانونی برای اخذ پرونده از دادگاه کیفری دو دارای ابلاغ ویژه و ارجاع به دادگاه اطفال و نوجوانان وجود ندارد؛ لذا دادگاه کیفری دو دارای ابلاغ ویژه کماکان صالح به رسیدگی است.

به نظر می‌رسد استدلال شعبه ۱۶ دادگاه تجدیدنظر مبنی بر اینکه: «... هر دو شعبه فعلاً به نوعی شعبه کیفری دو ویژه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان هستند...» صحیح نباشد، زیرا دادگاه کیفری دو دارای ابلاغ ویژه، به استناد تبصره ماده ۲۹۸ ق.آ.د.ک در شرایط استثنایی و صرفاً قبل از تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان صلاحیت رسیدگی داشته است. پس از تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان، نیز مأموریت ویژه دادگاه کیفری دو در رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان به اتمام رسیده است و پرونده جدیدی نباید به آن ارجاع شود؛ هر چند که طبق ماده ۳۳۹ ق.آ.د.ک صلاحیت رسیدگی به پرونده‌های مطرح را کماکان دارد.

با وجود توضیحات بیان شده در خصوص حل اختلاف میان دادگاه‌های کیفری دو و اطفال و نوجوانان استان اصفهان که در بیشتر پرونده‌ها، حل اختلاف از سوی شعبه ۱۶ دادگاه تجدیدنظر استان انجام می‌شد، تصمیم این شعبه در پرونده کلاسه ۱۴۰۱۰۹۹۲۰۰۲۰۹۰۴۳۴ مهم است. با این توضیح که در بیشتر پرونده‌ها، شعبه ۱۶ دادگاه تجدیدنظر استان، اختلاف میان دادگاه‌های کیفری

پیش‌گفته را اختلاف در صلاحیت ذاتی به شمار نمی‌آورد و به همین دلیل حل اختلاف می‌کرد. در پرونده کلاسه ۱۴۰۱۰۹۹۲۰۰۰۲۰۹۰۴۳۴ در مقام حل اختلاف میان شعب ۱۱۹ دادگاه کیفری دو اصفهان و شعبه اول دادگاه اطفال و نوجوانان اصفهان، با بیان این مطلب که دادگاه اطفال و نوجوانان، دادگاهی اختصاصی محسوب می‌شود، به دلیل تحقق اختلاف در صلاحیت ذاتی، پرونده را قابل طرح در دادگاه تجدیدنظر استان ندانست<sup>۱</sup> و در نهایت پرونده در دیوان عالی کشور مطرح شد و شعبه دیوان مبادرت به حل اختلاف کرد.

### نتیجه‌گیری و پیشنهاد

با بررسی انجام‌شده این نتایج به دست آمد:

در نظام عدالت کیفری ایران صلاحیت ذاتی دادگاه اطفال و نوجوانان از حیث اختصاصی یا عمومی بودن، به لحاظ فقدان نص صریح قانون در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و در این خصوص میان حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. تهافت آرای دادگاه‌های تجدیدنظر و حتی شعب دیوان عالی کشور در این باره نیز ناشی از اختلاف در تقدم و یا تأخر اصول دادرسی عادلانه و ضرورت‌های پذیرش دادرسی کیفری افتراقی نسبت به کودکان و نوجوانان بر برخی مواد قانونی ناهمگون و ناسازگار با این اصول است. کسانی که به اختصاصی بودن باور داشته‌اند به مواد نظیر ۲۹۴ و ۳۰۴ ق.آ.د.ک استناد کرده‌اند، در حالی که طرفداران دیدگاه تخصصی بودن از تبصره ماده ۲۹۸، تبصره ۱ ماده ۳۱۴، تبصره ۲ ماده ۳۰۴، ماده ۳۱۵ و تبصره ۱ آن و مواد ۴۰۳ و ۴۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری بهره گرفته‌اند. به نظر می‌رسد با الهام از ماده ۴۵ قانون حمایت از خانواده که مقرر می‌دارد: «رعایت غبطه و مصلحت کودکان و نوجوانان در کلیه تصمیمات دادگاه‌ها و مقامات اجرایی الزامی است» و ضرورت مدنظر قراردادن فلسفه حاکم بر دادرسی افتراقی در حوزه بزهکاری اطفال و نوجوانان در راستای تأمین مصالح و منافع این جمعیت آسیب‌پذیر، در نهایت، نظر کسانی که باور به اختصاصی بودن دادگاه اطفال و نوجوانان داشته‌اند، مرجح و درست‌تر باشد.

۱. رأی شعبه ۱۶ دادگاه تجدیدنظر استان به این شرح است: «در خصوص حدود اختلاف بین شعبه محترم اول دادگاه (با صلاحیت ذاتی) اطفال و نوجوانان شهرستان اصفهان با شعبه محترم ۱۱۹ دادگاه کیفری دو شهرستان مذکور راجع به اتهام آقایان شایان... متولد ۱۳۷۹ و حسین... متولد ۱۳۵۱ اولی دائر بر مشارکت در ایراد صدمه بدنی عمدی به اتفاق طفل سامان و دومی مباشرت در بزه مشابه مذکور که هرکدام از خود به صلاحیت دیگری نفی صلاحیت نموده‌اند، چون شعبه اول دادگاه اطفال و نوجوانان در رسیدگی به جرایم موضوع ماده ۳۰۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به عنوان شعبه اختصاصی با صلاحیت ذاتی قبل از زمان اختلاف دو شعبه مذکور تأسیس شده است، مطابق ماده ۲۹۴، ۳۱۷ و ۳۰۴ از قانون مذکور و ماده ۲۸ از قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ مرجع حل اختلاف بین دو دادگاه مذکور دیوان عالی محترم کشور می‌باشد؛ فلذا دفتر پرونده از آمار کسر و به شعبه اول دادگاه مذکور ارسال تا به دیوان عالی محترم کشور ارسال نماید».

از این رو، پیشنهاد می‌شود که در اصلاحات قانون آیین دادرسی کیفری، موادی که دلالت بر تخصصی بودن دادگاه اطفال و نوجوانان دارند، حذف و اصلاح شوند و بر اختصاصی بودن دادگاه مذکور تأکید شود. تا آن زمان نیز بهتر است، هیئت عمومی دیوان عالی کشور از طریق تصویب رأی وحدت رویه، به تشتت آرای قضایی و اختلاف نظرهای حقوقی پایان بخشد.

در شرایط موجود و تا زمان اصلاحات قانونی درباره وضعیت اختصاصی یا تخصصی بودن دادگاه اطفال و نوجوانان و یا حداقل صدور رأی وحدت رویه از سوی هیئت عمومی دیوان عالی کشور، منطقی به نظر می‌رسد، دادگاه اطفال و نوجوانان را در برابر دادگاه‌های نظامی، انقلاب، کیفری یک و دو، مرجع اختصاصی کیفری بدانیم. این دادگاه از حیث صلاحیت ذاتی جایگاهی کاملاً متمایز و متفاوت با سایر مراجع یادشده دارد. بر همین اساس، هرگونه اختلاف در صلاحیت میان دادگاه اطفال و نوجوانان با این مراجع قضایی، صرفاً باید از طریق دیوان عالی کشور حل و فصل شود. مطابق تبصره ماده ۲۹۸ قانون آیین دادرسی کیفری، اگر دادگاه اطفال و نوجوانان در حوزه‌ای تشکیل نشده باشد، رئیس قوه قضائیه می‌تواند به دادگاه کیفری دو «ابلاغ ویژه» بدهد تا به‌طور استثنایی به جرایم این افراد رسیدگی کند. چنانچه این دادگاه دارای ابلاغ ویژه در خصوص صلاحیت ویژه خود با سایر مراجع اختصاصی اختلاف پیدا کند، مرجع حل اختلاف آن‌ها دیوان عالی کشور خواهد بود؛ اما در صورت اختلاف با سایر دادگاه‌های عمومی در یک استان مانند کیفری دو، کیفری یک، و کیفری یک ویژه نوجوانان باید موارد مختلف تفاوت قائل شد. به این صورت که اگر اختلاف میان دو دادگاه کیفری دو در یک استان باشد که یکی ابلاغ ویژه دارد و دیگری ندارد، با توجه به رأی وحدت رویه شماره ۸۴۱ هیئت عمومی دیوان عالی کشور مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۲۱ چون هر دو دادگاه از حیث صنف و نوع و درجه رسیدگی یکسان هستند، مرجع

۱. رأی وحدت رویه شماره ۸۴۱ مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۲۱ هیئت عمومی دیوان عالی کشور: «بر اساس تبصره ماده ۲۷ و ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ رسیدگی دیوان عالی کشور به امر اختلاف در صلاحیت دادگاه‌ها منحصر به اختلاف بین دادگاه‌های دو حوزه قضایی از دو استان و اختلاف بین دادگاه‌های عمومی، نظامی و انقلاب و نفی صلاحیت مراجع مذکور به شایستگی مراجع غیرقضایی است. در سایر موارد از جمله اختلاف در صلاحیت بین دادگاه حقوقی با دادگاه کیفری دو در حوزه قضایی یک استان به لحاظ آنکه هر دو از دادگاه‌های عمومی محسوب می‌شوند و بنا بر تصریح ماده ۳۴۴ همان قانون و ماده ۴۲۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، مرجع تجدیدنظرخواهی از آرای آنان، دادگاه تجدیدنظر استان است. لذا مرجع صالح برای حل اختلاف صلاحیت بین آن‌ها نیز با توجه به مقررات مواد قانونی یادشده که به تصریح ماده ۳۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری، در امور کیفری لازم‌الرعایه است، دادگاه تجدیدنظر همان استان خواهد بود. بنا به مراتب، رأی شعبه ۴۲ دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد به نظر اکثریت اعضای هیئت عمومی صحیح و قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی، در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاه‌ها و سایر مراجع، اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است.»

حل اختلاف، دادگاه تجدید نظر استان است. در نهایت اگر این دادگاه با دادگاه کیفری یک و یا دادگاه کیفری یک ویژه نوجوانان به طور مطلق، یا دادگاه کیفری دو در استان دیگر اختلاف پیدا کند، مرجع نهایی برای حل اختلاف دیوان عالی کشور خواهد بود. بدیهی است با توجه به ابلاغ ویژه دادگاه کیفری دو در فرض اختلاف با دادگاه کیفری یک، دادگاه موصوف مکلف به متابعت از نظر دادگاه عالی از حیث صلاحیت نیست. در خصوص دادگاه صلح نیز، صرف نظر از اختلاف در صلاحیت ذاتی میان دادگاه اطفال و نوجوانان با دادگاه صلح، با توجه به نص صریح تبصره ۴ ماده ۱۲ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲<sup>۱</sup>، حل اختلاف در تمامی حالات صرفاً از طریق دادگاه تجدیدنظر استان صورت می‌گیرد.

## منابع

۱. آخوندی، محمود. (۱۳۹۴). *شناسایی آیین دادرسی کیفری*، جلد دوم (سازمان و صلاحیت مراجع کیفری)، چاپ چهاردهم، تهران: دوراندیشان.
۲. آشوری، محمد. (۱۴۰۰). *آیین دادرسی کیفری*، جلد دوم، چاپ چهاردهم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۳. جوانمرد، بهروز. (۱۳۹۴). *بایسته‌های آیین دادرسی کیفری*، تهران: جنگل.
۴. خاطری، برهان؛ مهرا، نسرين؛ مهدوی ثابت، محمدعلی و کارگری، نوروز. (۱۴۰۱). *مسیر شطرنجی دادرسی اطفال و نوجوانان بزهارکار در ایران با تطبیق نظام کیفری انگلستان*، مطالعات حقوقی (علوم اجتماعی و انسانی شیراز)، دوره ۱۴، شماره ۳.
۵. خالقی، علی. (۱۳۹۴). *آیین دادرسی کیفری*، جلد دوم، چاپ بیست و هشتم، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۶. خالقی، علی. (۱۴۰۲). *نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری*، چاپ نوزدهم، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۷. رادمهر، فرزانه؛ رضوانی، علی و مسجدسرای، حمید. (۱۴۰۲). *سیاست جنایی ایران در قبال بزهارکاری اطفال و نوجوانان با نگاهی تطبیقی به حقوق انگلیس*، فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، دوره ۱۵، شماره ۳۳.
۸. رحمدل، منصور. (۱۳۹۳). *آیین دادرسی کیفری*، جلد دوم، تهران: دادگستر.

۱. بندهای «الف» و «ب» تبصره ۴ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲: «در صورت حدوث اختلاف بین دادگاه‌های صلح و همچنین سایر مراجع قضایی و غیرقضایی به ترتیب زیر اقدام می‌شود: الف. در مورد دادگاه‌های صلح واقع در حوزه‌های قضایی شهرستان‌های یک استان و نیز اختلاف بین دادگاه صلح با دادسراها یا دادگاه‌های حقوقی یا کیفری یا بخش حوزه قضایی یک استان، حل اختلاف با دادگاه تجدیدنظر آن استان است.
- ب. در مورد دادگاه‌های صلح واقع در حوزه‌های قضایی دو استان و نیز اختلاف بین دادگاه صلح و دادسراها یا دادگاه‌های حقوقی یا کیفری یا بخش حوزه قضایی دو استان، حل اختلاف با شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استانی است که مرجع قضایی آن استان آخرین قرار عدم صلاحیت را صادر کرده است...»

۹. سادات اسدی، لیلا. (۱۳۸۲). دادرسی کیفری اطفال در حقوق ایران، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۶۷، شماره ۴۵.
۱۰. شاملو، باقر. (۱۳۹۱). عدالت کیفری و اطفال (شخصیت طفل، بزهکاری، دادرسی، پاسخ‌ها)، چاپ دوم، تهران: جنگل.
۱۱. صلاحی، جاوید. (۱۳۸۸). بزهکاری اطفال و نوجوانان، چاپ پنجم، تهران: میزان.
۱۲. طهماسبی، جواد. (۱۴۰۲). آیین دادرسی کیفری (جلد سوم)، چاپ سوم، تهران: میزان.
۱۳. فرهی، بابک. (۱۳۹۶). مختصر آیین دادرسی کیفری، چاپ چهارم، تهران: طرح نوین اندیشه.
۱۴. فلاح، امین و حاجی تبار فیروزجائی، حسن. (۱۴۰۰). مراجع صالح به رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان با تأکید بر جرایم در صلاحیت دادگاه کیفری یک، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۵، شماره ۱۱۶.
۱۵. گلدوست جویباری، رجب. (۱۴۰۰). آیین دادرسی کیفری، چاپ پانزدهم، تهران: جنگل.
۱۶. معظمی، شهلا. (۱۳۹۴). دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان، چاپ اول، تهران: دادگستر.
۱۷. مهابادی، علی اصغر. (۱۳۹۳). آیین دادرسی کیفری کاربردی، چاپ دوم، تهران: دوران‌دیشان.
۱۸. مهرا، نسیرین. (۱۳۸۵). قوانین و مقررات کیفری ایران در قبال اطفال و نوجوانان بزهکار: حال و آینده، نشریه آموزه‌های حقوق کیفری، دوره ۳، شماره ۲۰.
۱۹. موحدیان، غلامرضا. (۱۳۹۱). آیین دادرسی و اجرای احکام مدنی، چاپ اول، تهران: فکرسازان.
۲۰. مؤذن‌زادگان، حسنعلی. (۱۴۰۲). دادرسی کیفری ویژه کودکان و نوجوانان، چاپ اول، تهران: سمت.
۲۱. میرکمالی، سیدعلی‌رضا و حسینی، انسیه. (۱۳۹۵). دادرسی افتراقی اطفال در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، پژوهشنامه حقوق کیفری، دوره ۷، شماره ۲.
۲۲. ناجی‌زواره، مرتضی. (۱۳۹۵). آشنایی با آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، تهران: خرسندی.
۲۳. نیازپور، امیرحسن. (۱۴۰۱). حقوق کیفری کودکان و نوجوانان (فرایند پاسخ‌دهی به بزهکاری کودکان و نوجوانان)، چاپ سوم، تهران: میزان.